

ازدواج در خضری دشت بیاض^۱

حسین صمدی^۲

ازدواج در شهر خضری دشت بیاض مانند سایر مناطق کشورمان رسم و آیین ویژه‌ای دارد که مطابق سنت‌های بومی و منطقه‌ای انجام می‌شود. این مراسم از دیرباز بوده و در حال حاضر نیز بخش‌هایی از آن برقرار است. ازدواج از جمله مراسمی است که آداب و رسوم آن با کمترین تغییر در حال برگزاری است.

آداب و رسوم ازدواج در خضری دشت بیاض

خواستگاری و نامزدی

مراسم خواستگاری و نامزدی به‌طور سنتی و مانند دیگر نقاط ایران، معمولاً از سوی خانواده پسر آغاز می‌شود؛ بدین صورت که خانواده پسر اگر دختری را می‌پسندیدند، با واسطه و راوی^۳ موضوع را مطرح می‌کردند و کدخدا را به خانه پدر دختر می‌بردند. برای تحقیق درباره خانواده عروس و شناخت کامل دختر از خانم‌های رازدار فامیل کمک می‌گرفتند. اگر میان آشنایان و بستگان کسی نبود می‌کوشیدند تحقیق درباره دختر

۱. خضری دشت بیاض از توابع شهرستان قائنات و در شمال استان خراسان جنوبی واقع شده است.

۲. آقای حسین صمدی معلمی فعال، شاعر و فرهنگیار کوشای خضری دشت بیاض است. ایشان به همراه خانم اکرم صمدی (دختر) و آقای صالح صمدی (پسر) با تلاش فراوان آداب و رسوم مردم خوب خضری دشت بیاض را گردآوری و ضبط و ثبت می‌کنند و در این راه علاوه بر ثبت اطلاعات و دیده‌های شخصی، با دقت و ریزبینی خاصی پای صحبت سالخوردگان باتجربه و افراد مطلع و آگاه خضری می‌نشینند و بر گنجینه داده‌های خویش می‌افزایند. این مقاله را خانم شایسته بهرامی سامانی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی و مسئول فرهنگ‌یاری واحد فرهنگ مردم تهیه و تنظیم کرده‌اند.

۳. راوی یا واسطه خانمی خوش‌بیان بود.

۱۷۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

یا پسر، محرمانه و با ظرافت و دقت خاصی انجام شود تا دختر و پسر برسر زبان مردم نیفتند.

راه دیگر برای شناخت این بود که به بهانه تشنگی یا خواستن وسیله‌ای دیگر به منزل پدر دختر می‌رفتند، اگر دختر مایل به ازدواج بود به آنها روی خوش نشان می‌داد و در این صورت طرف مقابل متوجه می‌شد که دختر قصد ازدواج دارد و باید اقدامات بعدی انجام شود.

پس از تحقیق و شناخت طرفین، جلسه‌ای با حضور بزرگان خانواده دختر و پسر، روحانی و معتمدان محل تشکیل می‌شد و مراسم خواستگاری به‌طور رسمی برگزار می‌شد. در طی مراسم درخصوص مهریه، زمان عقد و برگزاری جشن ازدواج گفتگو و تصمیم‌گیری می‌کردند و در صورت تمایل خانواده دختر، به مهمانان حاضر شام رضایونه^۱ (rezâyuneh) می‌دادند و از مهمانان پذیرایی می‌کردند و اینگونه نامزدی دختر و پسر به‌طور رسمی در میان مردم مطرح می‌شد و جلسه با شادباش و هلهله دو خانواده به پایان می‌رسید.

گاهی نیز مراسم نامزدی به دو صورت انجام می‌شد:

الف) یکی از مراسم قدیمی نامزدی سنتی، ناف‌بر کردن دختران و پسران هنگام تولد یا نوزادی بود. ناف‌بر کردن بنا به پیشنهاد بزرگان و توافق والدین دو نوزاد صورت می‌گرفت. این دو نفر در بزرگسالی به قول خودشان پایبند می‌ماندند. دایه و مادر در هنگام بریدن بند ناف نوزاد چنین می‌گفتند: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به اسم دوازده امام و چهارده معصوم پاک و پیامبر گرامی، می‌بُرم ناف این دختر را به اسم پسر فلان» و نامزدی آن دو با گفتن این جملات اعلام می‌شد. تفاوت سنی بین آنها اهمیت زیادی نداشت و در حقیقت نوعی نامزدی تحمیلی و اجباری صورت می‌گرفت که نظر و توافق طرفین در آن مطرح نبود. دختری که ناف‌بر می‌شد مورد توجه خانواده پسر قرار می‌گرفت.

۱. شام مفصلی بود که نشان از رضایت و علاقه‌مندی خانواده دختر به آن وصلت داشت.

ازدواج در خضری دشت بیاض ❖ ۱۷۵

ب) یکی دیگر از مراسم قدیمی نامزدی سنتی این بود که خانواده پسر پس از انتخاب دختر مناسب برای او نشانی می‌بردند و با اهدای پارچه و انگشتر این دو زوج با هم نامزد می‌شدند و خدمتگزاری برای پدر زن (خوسور) آغاز می‌شد. این نامزدی در سن ۶ تا ۷ یا ۹ تا ۱۴ سالگی بود و جدایی و ازدواج آنها بسته به علاقه و رابطه طرفین بود. در این میان گاه اتفاقاتی مانع ازدواج می‌شد.

خرید عروس

پس از آنکه مهریه تعیین و صورت مهریه نوشته می‌شد، زمانی را نیز برای خرید وسایل عروس مشخص می‌کردند. معمولاً وسایل عروس در شهرهای گناباد، قاین، مشهد و بیرجند یافت می‌شد.

روز موعود، خانواده داماد از جمله داماد، مادر، خواهران، برادران و چند نفر از بستگان نزدیک همراه با تعدادی از خانواده عروس از جمله خواهران متأهل، خاله، عمه، زن برادر برای انتخاب وسایل لازم به بازار می‌رفتند و به سلیقه خانواده عروس احترام می‌گذاشتند، البته عروس و مادر عروس در خرید کمتر شرکت می‌کردند. عروس و داماد قرآن و آیین و شمعدان را قبل از هر چیز دیگری می‌خریدند و پس از آن حلقه، انگشتر، پارچه، چادر، روسری، کفش و لباس خریداری می‌شد. پس از اتمام خریدهای عروس، داماد بر اساس رسم دیرینه برای مادر و خواهرزن هدیه‌ای خریداری می‌کرد. کلیه وسایل خریداری شده تا روز کفش‌برون در خانه داماد نگهداری می‌شد.

کفش‌برون

پس از مراسم خرید، روزی را تعیین می‌کردند و خانواده و بستگان داماد وسایل خریداری شده را به خانه عروس می‌بردند تا عروس پارچه‌ها را به خیاطی ببرد و برای مراسم عقدکنان لباس بدوزد. روزی که وسایل خریداری شده را به خانه عروس می‌بردند به روز «کفش برون» معروف بود.

مراسم عقدبندان

مراسم عقدبندان به دو شکل پنهانی و خاموش یا آشکار و رسمی انجام می‌شد. این مراسم به صورت جداگانه در منزل عروس و داماد برگزار می‌شد. پدر عروس و پدر داماد هر یک در خانه خود اقوام و دوستان و آشنایان و مردم را دعوت می‌کردند، دختران و زنان سفره عقد را با سلیقه در منزل عروس می‌چیدند. داماد هزینه عاقد و محضر را پرداخت می‌کرد و پذیرایی نیز بر عهده خانواده عروس بود.

ابتدا در خانه عروس، عروس را بر سر سفره عقد رو به قبله می‌نشانند و تمام مدتی که خطبه عقد جاری می‌شد، دکمه و گره نمادینی از لباس عروس را باز می‌کردند تا در کارش گره‌ای نباشد و قرآن را در دامن عروس می‌نهادند تا سوره یس را زمزمه کند. در این حین یک خانم از بستگان عروس بدون گره، نخ را با سوزن از چارقد^۱ عروس رد می‌نمود و وانمود می‌کرد که در حال دوختن است و نیت می‌کند که زبان اقوام داماد بسته شود.

خانم دیگری روی سر عروس قند می‌سایید و می‌گفت: «همه بدانند مهر و محبت می‌سایم.»

شخص دیگری روی سر عروس مرتب قیچی را باز و بسته می‌کرد و می‌گفت: «زبان خواهرشوهر و مادرشوهر را قیچی می‌کنم.»

پس از آنکه عروس با اجازه بزرگ‌ترها «بله» می‌گفت، صدای کف و شادباش و هل‌هل حاضران خانه عروس را پر می‌کرد. بعد از قرائت خطبه عقد در خانه داماد و از حاضران با شیرینی پذیرایی می‌شد، سپس داماد با همراهی بستگان به خانه عروس می‌رفتند تا هر دو بر سر سفره بنشینند و در آب و آینه روبه‌روی هم باشند.

عیدی عروس

در دوران عقد در تمام اعیاد مذهبی و همچنین عید نوروز خانواده داماد برای عروس هدیه‌ای تقدیم می‌کردند. البته وضعیت مالی خانواده داماد در قیمت و نوع این

۱. شال یا روسری بزرگی که بر روی سر عروس می‌گیرند.

ازدواج در خضری دشت بیاض ❖ ۱۷۷

هدیه نیز تأثیر داشت. همراه با هدیه، شیرینی و مواد خوراکی مانند قند، روغن، برنج و گوشت گوسفندی به منزل عروس فرستاده می‌شد.

جهیزیه برون

در گذشته همراه با مراسم عروسی، مردم وسایل و جهیزیه عروس را قبل از عروس و داماد، روی دست و سر می‌بردند. برای بردن جهیزیه عروس، جوانان فامیل مشارکت می‌کردند؛ کسی که وسایل را برمی‌داشت، در پایان مراسم از مادر عروس یک دستمال هدیه می‌گرفت. در خانه داماد با چای و شیرینی از کسانی که جهیزیه را می‌بردند، پذیرایی می‌شد.

لحظاتی پس از حرکت کاروان جهیزیه، گروه مطرب همراه عروس و داماد و مردم حرکت می‌کردند. قرآن، آیینه و شمعدان و ظرفی پر از نقل، نبات، شکلات و شیرینی اولین وسایلی بود که وارد خانه عروس و داماد می‌شد. عروس که به در خانه داماد می‌رسید، از طرف خانواده داماد پیش پای او گوسفندی ذبح می‌کردند و در صورت امکان گوشت گوسفند به‌عنوان صدقه بین فقرا تقسیم می‌شد.

با ورود جهیزیه عروس به خانه داماد، گروهی از زنان خوش‌سلیقه از خانواده عروس برای چیدن و تزئین جهیزیه عروس دست به کار می‌شدند و در خانه داماد با ناهار و شام از آنان پذیرایی می‌شد. البته جهیزیه داماد هم قبل از جهیزیه عروس در خانه عروس و داماد چیده می‌شد که معمولاً پلاس،^۱ فرش دست‌باف، رختخواب مختصری همراه با ظروف آشپزخانه، قابلمه، پیک‌نیک و مواد غذایی بود.

پیش‌کشی (شیربها)

در زمان‌های قدیم با توجه به وضعیت مالی خانواده داماد و با رضایت طرفین، مبلغی پول به‌عنوان شیربها به مادر عروس هدیه می‌کردند و البته مادر عروس در قبول کردن یا بخشیدن آن مختار بود.

۱. نوعی گلیم دست‌باف خانم‌های منطقه

مراسم عروس کشون (عروس برون)

این مراسم معمولاً بعد از ساعت ۲ بعد از ظهر برگزار می‌شود، در خانه عروس خداحافظی عروس دیدنی و غمبار بود. عروس در حالی که دست پدر، مادر، پدربزرگ و مادربزرگ‌ها و بزرگ‌ترها را می‌بوسید، گریه‌کنان با همه خداحافظی می‌کرد. زنی از فامیل داماد می‌گفت:

«پاشین پاشین ای قوما تا خیر به پا کنیم

ما عروس و مادرش را از هم جدا کنیم»

بزرگان و بستگان داماد، از پدر عروس اجازه می‌گرفتند و چادر سفید عروسی را بر سر عروس می‌انداختند، سپس دست عروس را می‌گرفتند و در حالی که همه فامیل عروس گریه می‌کردند عروس را از مادرش جدا می‌نمودند.

لحظاتی بعد هر دو فامیل، عروس و داماد را با صلوات، شادی، هلله و «شواش شواش»^۱ گویان، به خانه بخت می‌بردند، عروس قبل از ورود به خانه داماد، دم در می‌ایستاد و تا «پای‌انداز» خود را نمی‌گرفت، وارد خانه داماد نمی‌شد. در این هنگام فامیل عروس چنین می‌خواندند:

این سر، سرانداز می‌خواد عروس پای‌انداز می‌خواد

پدر و مادر داماد هم هدیه‌ای نقدی یا غیرنقدی مانند قول مکه، کربلا و سوریه را به عروس خود می‌دادند.

مراسم تخت ورچینو (مراسم پاتختی)

روز بعد از جشن عروسی مجلس پاتختی نیز برگزار می‌شد که فقط خانم‌ها در این مراسم شرکت می‌کردند.

بستگان داماد، هدایای نقدی و پول تقدیم می‌کردند و بستگان عروس نیز کسر و کمبودهای جهیزیه را از مادر عروس می‌پرسیدند و آن را تهیه می‌کردند و در روز

۱. شادباش شادباش

ازدواج در خضری دشت بیاض ❖ ۱۷۹

پاتختی به عنوان هدیه برای عروس می‌بردند. به کادویی که خانواده عروس روز پاتختی می‌دهند «تخت ورچینو» (taxt var ino) می‌گویند. پس از این مراسم، عروس می‌تواند از خانه بیرون برود یا به خانه مادر و پدر سر بزند.

ماه غسل داماد و عروس

معمولاً چند روز بعد از برپایی مراسم عروسی، عروس و داماد به مسافرت می‌رفتند، که این مسافرت به «ماه غسل» معروف بود که معمولاً به شهرهای زیارتی مثل قم، مشهد یا شمال می‌رفتند. همزمان خانواده عروس و داماد جهیزیه را به خانه داماد می‌برند و همه وسایل خانه را با سلیقه می‌چیدند و خانه را برای بازگشت زوج جوان از سفر آماده می‌کردند و زمان بازگشت زوج جوان، خانواده عروس و داماد با فیلمبرداری و ماشین گل زده به استقبالشان می‌رفتند، سر چهارراه وسط شهر پیاده می‌شدند، با خواندن صلوات و مداحی و قرائت سوره مبارکه «الرحمن» آنها را تا منزلشان همراهی می‌کردند و شیرینی و شربت می‌خورند. علاوه بر این، هرکس به میزان توان خود پولی را به عنوان کمک اولیه زندگی به عروس و داماد هدیه می‌داد، داماد هم حاضران را به حسینیه دعوت و با ناهار از مهمانان پذیرایی می‌کرد، روز بعد نیز عروس و داماد به دست‌بوسی پدر و مادرها می‌رفتند.

داماد سلام و پاگشا

در آخرین مرحله از آداب و رسوم ازدواج، چند روز بعد برپایی مراسم ازدواج، خانواده عروس به منزل داماد می‌رفتند و مراسم «داماد سلام» را برگزار می‌کردند. در پایان عروس را به خانه پدری باز می‌گرداندند تا وی دلتنگ نشود. این رسم را «پاگشا» نام نهاده بودند. بعد از مراسم پاگشا، بستگان عروس و داماد آنها را به منزل خودشان دعوت می‌کردند این مراسم نیز پاگشا نام داشت و در این دیدوبازدیدها عروس و داماد با بستگان یکدیگر آشنا می‌شدند.

اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، باورهای مردم و کنایه‌های مراسم ازدواج

- «خدا اگر تخته تراش نیست به هم انداز است»، این مثل را در مورد عروس و دامادی می‌گفتند که هر دو عیبی داشتند یا به لحاظ خلق و خو و خصلت‌ها به هم شبیه باشند.

- «خدا در و تخته را باهم جور می‌کند» این مثل را وقتی می‌گویند که دو طرف عروس و داماد به لحاظ خلق و خو و خصلت‌ها به هم شبیه باشند.

- «به امید خدا سر باشد کلاه بسپاره» اگر جواب دختر برای ازدواج منفی باشد، این ضرب‌المثل را به کار می‌برند.

- «دسته زن لقمه بز» کنایه از اینکه فامیل زن اهمیت بیشتری دارد.

- به تماشاگران مراسم عروسی که فقط برای تماشا آمده‌اند و جزو مدعوین نیستند، «سیل‌کننده» می‌گویند.

- به کسانی که مطرب‌اند و نمایش اجرا می‌کنند، «شو باز» می‌گویند.